

بررسی موانع عملیتی مؤثر بر مشارکت سازمان یافته (مطالعه موردی تشکل‌های آب‌بران شهرستان بردسیر)

دکتر سیامک زند رضوی^{*}، لینا ملک‌میان^{**}، دکتر فریدون کامران^{***}، کیوان ضیایی^{****}،
رویا اخلاص پور^{*****}

چکیده: این پژوهش کمبود منابع آب‌های زیرزمینی و ساز و کارهای ایجاد آن را به‌عنوان مسأله‌ی اجتماعی بر می‌شمارد و مشارکت اجتماعی سازمان یافته‌ی افراد محلی در برخورد با این مسأله را به‌عنوان راهکار اصلی معرفی می‌کند. چارچوب مفهومی و نظری این مقاله بر پایه‌ی رویکرد عملیتی استوار است. روش مورد استفاده در این پژوهش پیمایشی و از پرسش‌نامه‌ی پژوهشگر ساخته‌ی بهره‌گرفته از مصاحبه با ۹۱ نفر است. اعتبار ابزار این پژوهش، از نوع صوری و سازه‌است، پایایی آن نیز با آزمون آلفای کرونباخ تأیید شده است. و همچنین برای تحلیل فرضیه‌ها از آزمون‌های F ، t و ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. یافته‌ها حاکی از وجود رابطه‌ی متوسط میان مشارکت اجتماعی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی می‌باشد. در ضمن متغیرهای «خیر محدود» و «نوع الگوی تصمیم‌گیری در میزان استفاده از آب» تأثیر به‌سزایی بر مشارکت اجتماعی سازمان یافته‌ی جامعه مورد مطالعه دارد.

کلید واژه‌ها: تشکل‌های آب‌بران، عملیت، مشارکت سازمان یافته، مشارکت محله‌ای

مقدمه

در ادبیات توسعه، شاید کمتر صاحب‌نظری باشد که به نقش مشارکت اجتماعی و مشارکت محلی تأکید نداشته باشد، هرچند که مباحث مشارکت سازمان یافته و مدرن در کشورهای در حال توسعه از قدمت زیادی برخوردار نمی‌باشد اما در کشورهای توسعه‌یافته از دهه ۶۰ به بعد

* استادیار جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

** عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

*** استادیار جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

**** کارشناس ارشد پژوهشگری اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

***** کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی دانشگاه شهید باهنر کرمان

این ادبیات گسترش چشمگیری یافته است و به لحاظ نهادی اهمیت خود را در میان دولتمردان، برنامه‌ریزان و طراحان اجتماعی و شهروندان باز نموده است. این مقاله قدمی است در راستای گسترش مباحث مشارکت اجتماعی که با موضوع تشکلهای آبران در حوزه‌ی جامعه‌شناسی کشاورزی و محیطی نگارش و تدوین یافته است.

طرح مسأله

کاهش منابع آب‌های زیرزمینی - به دلایل مختلف - و کمبود آن برای مصارف شرب، کشاورزی و حتی صنعت خود پدیده‌ای است که باعث مشکلات جدی و مختل شدن زندگی اجتماعی در بسیاری از مناطق ایران از جمله شهرستان بردسیر شده است. این امر به‌ویژه در مکان‌هایی که زندگی اقتصادی مردمان وابسته به کشاورزی است، بسیار مشهود و حیاتی است.

در اینجا دو پرسش مطرح می‌شود: آیا کاهش شدید آب‌های زیرزمینی و کمبود آب یک قضیه طبیعی و فنی است یا اجتماعی؟ و اگر قضیه اجتماعی است، آیا اصلاً می‌توان آن را مسأله‌ای اجتماعی قلمداد نمود که نیاز به تحقیق و بررسی اجتماعی داشته باشد و به عبارتی عرصه‌ای برای ورود جامعه‌شناسان و پژوهشگران علوم اجتماعی باشد؟

پاسخ پرسش اول بسیار ساده است؛ کاهش منابع آب زیرزمینی یک پدیده‌ی زیست‌محیطی و بوم‌شناختی می‌باشد، ولی فرایندهایی که منجر به این کاهش شده‌اند، علاوه بر ابعاد طبیعی، دارای ابعاد اجتماعی بسیاری نیز هستند. چنانچه افزایش سریع جمعیت و به دنبال آن افزایش مصارف کشاورزی، مواد غذایی و ... عاملی اجتماعی می‌باشد. در عین حال، کارشناسان معتقدند با مدیریت صحیح مصرف می‌توان مسأله‌ی مورد نظر را بسیار تعدیل و حتی در مناطقی حل نمود، اما سازوکاری ساختاری که بدان وسیله بتوان چگونگی استفاده‌ی بهینه را انجام بدهند، در حال حاضر وجود ندارد؛ رقابت میان کشاورزان در استفاده از منابع آب‌های زیرزمینی نیز خود یک عامل اجتماعی است. در پاسخ به پرسش دوم می‌توان بیان داشت: «در جامعه‌شناسی برای اینکه از یک پدیده اجتماعی به‌عنوان "مسأله‌ی اجتماعی" یاد کنند، حداقل سه ویژگی لازم است: (۱) مسأله باید رنج‌آور باشد؛ (۲) عده‌ی زیادی از افراد جامعه از چنین رنجی احساس ناراحتی کنند؛ و (۳) احساس رنج صرف کافی نیست، بلکه قربانیان این رنج‌ها باید این تلقی را داشته باشند که می‌توانند این رنج‌ها را علاج کنند» (جلایی پور، ۱۳۸۵، ص ۲۲).

در مطالب فوق بیان شده که این بحران علی‌رغم شکل ظاهریش یک قضیه اجتماعی است. حال، با توجه به جمع‌بندی ابعاد زیر می‌توان این را یک مسأله‌ی اجتماعی نیز دانست:

۱- شغل اصلی اکثر مردم شهرستان بردسیر کشاورزی است و لذا آب از حیاتی‌ترین نیازهای زیستی مردم این شهرستان بوده و مسأله‌ی بسیاری از مردم بردسیر می‌باشد. ۲- بیشتر منابع آب مورد استفاده در بردسیر منابع آب‌های زیرزمینی می‌باشد. ۳- طی مصاحبه‌های انجام شده با تعداد زیادی از مسئولان و کشاورزان منطقه مشخص گردید مشکل و دغدغه اصلی مردم بحث کم‌آبی است. ۴- با آموزش، ترویج، مدیریت صحیح، ایجاد بستر و ساختارهای مناسب می‌توان این بحران را تحت کنترل درآورد و با استفاده بهینه، توسعه پایدار را در منطقه ایجاد کرد. ۵- یافته‌های مصاحبه‌های انجام شده حاکی از این است که مردم معتقدند می‌توان با تدابیری مشکل را حل نمود و شرایط را بهبود بخشید، هرچند که آنها برای حل این مشکل برای خود نقش حداقلی و برای دولت نقش حداکثری قایل هستند. حال، راه برون رفت از این مسأله‌ی اجتماعی چیست؟

با توجه به شرایط اقلیمی کشور ما که از نظر بارش ناکافی و دارای خشکسالی‌های طولانی مدت و مستمر می‌باشد، تنها از طریق حفاظت و ذخیره و توزیع مناسب آب در دسترس می‌توان با پیامدهای ناشی از این محدودیت‌ها به مقابله برخاست که «مناسب‌ترین روش برای دستیابی به هدف فوق، شیوه‌ی «مدیریت مشارکتی» است» (قاسمی، ۱۳۸۱، ص ۲). امینی و خیاطی بیان می‌دارند: «مدیریت مشارکتی کارا و پایدارتر است از سیستم‌های آبیاری بدون مشارکت بهره‌برداران که به دست دولت‌ها طراحی و اجرا می‌شود، چون این نوع توسعه یک بعدی (غیر مشارکتی) هزینه‌ی بهره‌برداری و نگهداری بسیاری را بر دولت محول می‌کند و نیز کشاورزان در خود تعهدی در برابر چیزی که متعلق به خودشان نیست احساس نمی‌کنند و همچنین دیوانسالاری سرمایه‌بر و متمرکز به لحاظ ظرفیت و توان عرضه خدمات آبیاری، آن هم به تعداد زیادی کشاورز خرده پا، بسیار ناتوان و ناکارآمد است» (۱۳۸۵، ص ۲). «تقریباً همه‌ی صاحب‌نظران توسعه تصدیق کردند که دولت نمی‌تواند مجری همه‌ی امور باشد و برخی پیش‌تر رفتند و استدلال کردند که دولت خود مشکل است نه راه‌حل، زیرا نظریه‌ی دولت سالاری هیچ تأکیدی بر مشارکت مردم ندارد» (رضوی، ۱۳۸۴، ص ۱). ایده‌ی مدیریت مشارکتی که گاهی از آن به مدیریت محلی نیز یاد می‌شود، در عرصه‌ی تجربی نیز دستاوردهایی را با خود به همراه داشت که شاید مهمترین آن ایجاد تشکل‌های آبران (WUA)^۱ است. در واقع «ایده‌ی «انتقال مدیریت آبیاری»^۲ که در دهه‌ی ۱۹۸۰ مطرح گردید، عبارت است از: «جابه‌جایی مسئولیت و اختیارات مربوط به آبیاری از نهادهای دولتی به سازمان‌های (تشکل‌های) غیر دولتی مثل گروه‌های آبران» (کمیتة ملی آبیاری و زهکشی، ۱۳۸۱، ص ۲).

1- Water users association

2- Irrigation management transform

این تشکل‌های محلی «سازمانی هستند برای مدیریت و استفاده‌ی بهینه از آب با تأکید بر مشارکت گروه‌های ذینفع» (امینی و خیاطی، ۱۳۸۵، ص ۱). در واقع، ایجاد تشکل‌های آب‌بران «فراهم‌آوردن سازوکارهایی است تا از طریق یک فرایند مشارکتی، کشاورزان در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت آب کشاورزی نقش آفرینی و از آب در دسترس استفاده‌ی بهینه کنند» (سلمان، ۱۹۹۷، ص ۳). این مشارکت می‌بایست تمامی فرایند برنامه‌ریزی، اجرا، مدیریت، ارزشیابی و تقسیم منافع را در بر گیرد. البته، در ایران به‌طور سنتی این شبکه‌های مدیریتی محلی وجود داشتند، چنانچه در نظام آبیاری سنتی در ایران ما شاهد «ساختارهای محلی و منطقه‌ای متنوع و با ارزشی بوده‌ایم که در نهایت باعث می‌شد از اصراف آب تا حد ممکن کاسته شده، و از حداقل آب حداکثر استفاده به‌عمل آمده و زمین بیشتری زیر کشت رود» (داورانی و زندرضوی، ۱۳۸۳، ص ۹۶؛ صفی نژاد، ۱۳۸۰؛ علوی تبار، ۱۳۸۰). پور زند در این زمینه بیان می‌دارد: «مدیریت عرضه‌ی آب و تقاضا همگام با هم پیش رفته‌اند. تشکل‌های مصرف‌کنندگان آب در قالب‌بنه‌ها، هراسه‌ها، کته‌ها و خیش‌ها و ساختارهای مشابه آن تشکیل می‌شد و علاوه بر مدیریت مصرف آب، به‌عنوان قوی‌ترین نظام اجتماعی تولیدی عملاً سایر فعالیت‌های جمعی را نیز رهبری می‌نمود که در مناطق کم آب کشور این تشکیلات به مراتب منسجم‌تر و قوی‌تر بوده‌اند و از قوانین و مقررات و ضوابط جامع‌تری برای مدیریت مصرف آب برخوردار بوده‌اند» (۱۳۷۸، ص ۱). اما، عواملی همچون اصلاحات ارضی، پیشرفت فناوری، رویکرد سیاسی دولت‌ها در ادوار مختلف و ... ساختارهای ممکن را تا حد زیادی از بین برد و ساختارهای جدید یا شکل نگرفت و یا به‌نحوی بودند که به گسترش فردیت و کاهش هماهنگی، انسجام و فعالیت گروهی میان کشاورزان منجر گردید. این خود در عمل باعث کاهش اعتماد میان کشاورزان و رقابت در افزایش استفاده از منابع آبی زیرزمینی گردید. البته، ابعاد اجتماعی- اقتصادی و اجتماعی- سیاسی زیاد دیگری وجود دارد که در متن پژوهش به بخشی از آنها اشاره خواهد شد.

در این راستا، این پژوهش به دنبال آن است که موانع موجود در تحقق تشکل‌های آب‌بران در سطح مردمان محلی شهرستان بردسیر را مورد بررسی قرار دهد و عواملی که مانع مشارکت نهادی و کنش جمعی نوین اما محلی کشاورزان می‌گردد را شناسایی نماید. به‌عبارتی، این پژوهش در سطح خرد در پی پاسخ به موانع موجود در آگاهی و کنش فردی افراد در رابطه با مشارکت، با تأکید بر نقش عاملیتی کنشگران است.

مبانی نظری

تبیین فضای مفهومی مشارکت

«از زمان ارسطو تا جان دیویی بسیاری از فلاسفه‌ی اجتماعی، مشارکت مردمی را منبعی از انرژی خلاق برای دفاع در مقابل خودکامگی و ابزاری برای صورت قانونی بخشیدن به خرد جمعی مورد تجلیل و ستایش قرار داده‌اند. به اعتقاد آنها مشارکت با درگیر ساختن تعداد زیادی از مردم در اداره‌ی امور جامعه ثبات و نظم را افزایش می‌دهد و با ارایه‌ی فرصت اظهار عقیده به هر شهروند مصلحت اکثریت را تأمین خواهد کرد. رشد تشکل‌ها و نهادهای اجتماعی خرد، داوطلبانه و غیرسیاسی موجب شکل‌گیری مفهوم "مشارکت"، "شهروند فعال" و "فضای عمومی" و به تبع آن "علاق عمومی" و "هویت اجتماعی" مبتنی بر علائق عمومی می‌شود، و این امر در جوامع کنونی جهان سوم که در معرض فشارهای مضاعف به ویژه فرایند جهانی‌شدن و رشد علائق منطقه‌ای و محلی قرار دارند بسیار حیاتی است» (رضایی، ۱۳۷۵، ص ۵۴).

مشارکت در بسیاری از کنش‌های انسان بروز و ظهور دارد و چنانچه کاتورتی نیز بیان می‌کند: «پدیده‌ی مشارکت به معنای همکاری، نخستین رفتار اجتماعی است که از انسان سر زده می‌شود» (شادی طلب، ۱۳۸۲، ص ۱۴۲). اما، در چند دهه‌ی گذشته به‌طور وسیعی به رویکردهای مشارکتی در امر توسعه روی آورده شده است و آن را شرط لازم برای این امر دانسته‌اند و «با توجه به نقشی که برای عاملیت انسانی در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی قایل می‌شوند، مشارکت در اشکال اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی روانی در قالب نهادهای مشارکتی مورد توجه سیاست‌گذاران اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار گرفته است» (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴، ص ۶۹-۶۸)، و همچنین بسیاری از صاحب‌نظران از جمله پوتنام^۱ (۱۳۸۴) مشارکت و سرمایه اجتماعی را شرط لازم برای دموکراسی دانسته‌اند.

مفهوم مشارکت چندین مرحله را پشت سر گذاشته و با جریان‌های پیاپی گوناگون در ارتباط است که گائورتی^۲ آنها را به‌صورت زیر جمع‌بندی می‌کند:

«۱- مشارکت "ابتدایی و رسمی" که بیشتر به «گفت و گو با مردم» شهرت دارد و نهادهای مذهبی، در گذشته برای جلب مؤمنان به فرقه‌های خود، از آن به نحو گسترده‌ای استفاده کرده‌اند. ۲- مشارکت "رفتارگرایانه" و "شرطی"، نوعی از بسیج اجتماعی است که با فنون اجتماعی-روان‌شناختی، رسانه‌های آموزشی و ساختارهای فرهنگی انجام می‌شود و از "سازماندهی فعالیت‌های فرهنگی"، "انگیزش شخصی" و پرورش "رهبران" (برگزیدگانی که با الگویی از پیش سنجیده تعلیم می‌بینند) استفاده وسیعی می‌کند. این نوع مشارکت اغلب توسط

1- Putnam

2- Cao Tri

کارشناسان قدرت‌های استعماری پیشین در کشورهایی که سابقاً تحت سلطه‌ی استعمار بوده‌اند، به کار می‌رود و محدودیت آن این است که به اندازه‌ی کافی، نیازها و خواسته‌های واقعی کشورهای در حال توسعه را در نظر نمی‌گیرد (دستکاری/ مشارکت). ۳- مشارکت "انسجام‌گرا" بر آن است که "اتحاد" یا جذب، بهترین شیوه‌ی مشارکت است. کنش آن بر "ادغام اجتماعی"، "ادغام فرهنگی" یا "اجتماعی کردن" مبتنی است. اما، با آنکه در سطح اقتصادی غالباً کارایی دارد (زیرا با بیکاری، نا آرامی‌های اجتماعی و مانند آنها سر و کار دارد)، در سطح فرهنگی مشکل آفرین است، زیرا مانند همه‌ی انواع دیگر ادغام می‌کوشد مردم را مطابق با الگوهای از پیش تعیین شده همسان کند (مشارکت ابزاری). ۴- مشارکت به‌عنوان یک فرآیند اجتماعی، عام، جامع، چندجانبی، چند بعدی و چند فرهنگی که سعی دارد همه‌ی گروه‌های مردم را در همه‌ی مراحل توسعه شرکت دهد (توسعه مشارکت). از این دیدگاه، مشارکت چیزی جز «برنامه‌ای برای جامعه نیست که بر محور نظریه‌ای باز و قابل اصلاح قرار دارد و از جریان‌های اصلی تفکر دوران بهره می‌گیرد. این پیشرفته‌ترین مفهوم مشارکت است» (کائوتری، ۱۳۷۹، ص ۳۶-۳۵).

به لحاظ مفهومی درباره‌ی مشارکت عقاید، تعریف‌ها و جنبه‌های گوناگونی بیان شده و در عمل تفاوت‌های معنی‌داری از نگرش به مشارکت در میان صاحب‌نظران وجود دارد؛ در زیر تعدادی از تعریف‌های عمده در این زمینه بیان می‌شود:

آنشتاین مشارکت را «نوعی توزیع مجدد قدرت می‌داند که به سبب آن شهروندانی را که در حال حاضر در فرایند سیاسی- اقتصادی کنار گذاشته شده‌اند، قادر می‌سازد تا به تدریج در آینده شرکت داده شوند» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰، ص ۱۳). از منظر هارت، مشارکت اشاره به «فرایند سهیم‌شدن در تصمیمات اثرگذار بر زندگی شخصی و جامعه‌ای دارد که او در آن زندگی می‌کند. مشارکت وسیله‌ای است که دموکراسی به‌وسیله‌ی آن ساخته می‌شود و نیز معیاری است که دموکراسی‌ها بر اساس آن باید سنجیده شوند» (هارت، ۱۳۸۰، ص ۲۶). او کلی هم مشارکت را «نوعی فرایند توسعه‌ی پایین به بالا می‌داند که دارای ویژگی‌های اعتبار و تمرکز به قدرت می‌باشد» (اوکلی، ۱۳۷۰، ص ۳۲). مشارکت در نگاه چمبرز «فرایندی است که مردم محلی را قادر می‌سازد تا تحلیل را خود انجام دهند، کنترل امور را به‌دست گیرند، اعتماد به نفس بیشتری کسب کنند و تصمیمات را خود اتخاذ کنند» (چمبرز، ۱۳۷۸، ص ۱۲۰). هلی هم اشاره دارد که مشارکت «شرکت افراد در فعالیت‌های گروه‌هایی خارج از خانواده، عرصه‌ی سیاسی و محیط کار (احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها و گروه‌های فشار) است (پناهی و یزدان پناه، ۱۳۸۳، ص ۸۲). در تعریف دیوس و تیواستورم «مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در

موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند» (فرهادی، ۱۳۸۱، ص ۲۵) و در یک رویکرد محلی، کمیته مشورتی برنامه‌های بین‌المللی^۱ (IPAP) مشارکت محلی را یک فرایند پرورشی و توانمندسازی می‌داند که در آن مردم و افراد یاری‌رسان وارد نوعی شراکت با حاکمیت می‌شوند، مسایل و نیازها را تشخیص می‌دهند و هر بار بیشتر مسئولیت طراحی، مدیریت، کنترل و نظارت بر روی فعالیت‌های جمعی ضروری خود را تقبل می‌کنند (خسروی جعفری و همکار، ۱۳۸۴). وینتر هر عمل اختیاری برای تأثیر گذاشتن بر انتخاب مدیران و رهبران و تصمیم‌گیری‌های آنها، در هر سطحی از محلی تا ملی، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا نامنظم، مقطعی یا مستمر، قانونی یا غیرقانونی (وینتر^۲، ۱۳۷۱) را مشارکت می‌داند و نهایتاً استادیوانت در یک تعریف مدرن و کامل‌تر بیان می‌دارد: «مشارکت عبارت است از اینکه مردم محلی افراد ذینفع و تصمیم‌گیرنده هستند و در نتیجه مشارکت آنان در این عرصه نباید اتفاقی، اجباری و یا فقط محدود به همکاری باشد، در عوض باید کل فرایند عمل شامل: برنامه‌ریزی، اجرا، مدیریت، ارزشیابی و تقسیم منابع را دربرگیرد» (زند رضوی، ۱۳۸۲، ص ۴۰۵).

همان‌طور که در تعریف‌های فوق دیده می‌شود، تکیه‌گاه مفهومی هر یک از صاحب‌نظران از مشارکت تا حدی متفاوت است به گونه‌ای که در یک جمع‌بندی کلی از تعریف‌های فوق به همراه تلفیق با رویکردهای نوین‌تر به مشارکت، می‌توان این مفهوم را به صورت زیر تعریف نمود: "مشارکت فرایندی است مبتنی بر خرد جمعی و رفتاری است آگاهانه و داوطلبانه که شرکت همه‌ی افراد ذینفع در همه‌ی ابعاد برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، مدیریت، اجرا، ارزیابی و کنترل، تقسیم منافع و سود برای رسیدن به هدف را در بر می‌گیرد."

این پنج بعد علاوه بر آن که چهار چوب مفهومی مشارکت را روشن می‌سازند، معیاری برای سنجش و تمایز مشارکت واقعی از مشارکت نمادین، مشارکت غیر واقعی، مشارکت ناقص و مشارکت مشورتی هستند. به طوری که آرنشتین^۳ (۱۹۷۱) این گونه مشارکت‌ها را نوعی مشارکت سطحی و ظاهری بر می‌شمارد.

مشارکت اجتماعی ابزار یا هدف: «یکی از موضوعات کلیدی که مانع درک ما از کیفیت مشارکت می‌گردد، عدم توافق روی اهداف و مقاصد مشارکت می‌باشد» (آرنشتاین، ۱۹۶۹، ص ۲۱۶). در این زمینه، دو دیدگاه اصلی وجود دارد: در دیدگاه اول، به مشارکت با دید ابزاری نگریده و آن را هدفی برای نیل به توسعه دانسته‌اند؛ چنانچه کائوتری بیان می‌دارد، مشارکت مردمی، شرط بنیادی تدوین و عملی ساختن توسعه‌ی درون زاست، توسعه‌ای که کاملاً با نیازها

1- International Programme Of Advisory Panel

1- Weiner

2- Arnstein

و خواست‌های واقعی مردم و با مضمون خاص هر جامعه سازگار شده است. (کائوتری ب، ۱۳۷۹، ص ۶۰)، در این دیدگاه، مشارکت سبب کاهش هزینه‌ها، افزایش کارایی و کیفیت، پذیرش برنامه‌ها از سوی مردم، به‌کارگیری ظرفیت‌ها، منابع و ... می‌شود؛ در باور این گروه، «مشارکت باعث پیامدهای موفقیت‌آمیز در پروژه‌ها می‌شود» (موریسی، ۲۰۰۰، ص ۶۱) و وجود آن «به‌عنوان یکی از شرایط اساسی موفقیت طرح‌ها و برنامه‌های توسعه، به‌صورتی نسبتاً الزامی درآمده است» (کولن، ۱۳۷۹، ص ۶۳).

در مقابل، دیدگاه دوم که برای عمل اجتماعی اصالت قایل است، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی را فی‌نفسه هدف می‌داند و معتقد است که مشارکت مستقیماً برای انسان و تعالی اوست و کنشگران در فعالیت‌های جمعی و مشارکتی می‌آموزند، رشد می‌کنند، لذت می‌برند و در نهایت توانمندتر می‌شوند. چنانچه آمتیا سن (۱۳۸۵) یکی از صاحب‌نظران برجسته توسعه‌ی معاصر بیان می‌دارد که مشارکت سبب رشد، شکوفایی، بروز و تکامل توانایی، افزایش خلاقیت، کاهش احساس بی‌قدرتی، کم شدن فاصله‌ی اجتماعی میان دولت و مردم و افزایش اعتماد متقابل میان آنها و ... می‌گردد.

در واقع این دیدگاه یکی از مهم‌ترین اهداف توسعه را رسیدن به مشارکت اجتماعی می‌داند و در ادبیات نظری صاحب‌نظران این گروه، ارتباط میان دموکراسی و مشارکت بسیار برجسته می‌باشد.

البته، به‌نظر می‌رسد باید مشارکت در یک رویکرد تلفیقی که هم هدف توسعه و هم ابزار رسیدن به توسعه است، دیده شود چنانچه گولت (۱۹۸۹) مشارکت را یک واقعیت ترکیبی اعم از هدف و ابزار می‌داند.

نقش عاملیتی^۱ و فردی در مشارکت:

عاملیت به توانایی‌ها، نگرش‌ها، کنش‌ها و ظرفیت‌های خود افراد اشاره دارد که می‌توانند به‌وسیله این عناصر به توانمندی مورد نظر دست یابند. به‌عبارتی عاملیت در سطح فردی مطرح می‌شود و ارتباط مستقیمی با عملکرد و ذهنیت خود کنشگران دارد و نوع ارتباط آن با مشارکت به عواملی همچون احساس قدرت، آمادگی ذهنی و توانمندی روانی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، آگاهی بر نقش خود در فرایندهای زندگی و پیشبرد امور، مهارت‌ها و ... که همگی در نزد کنشگران قرار دارد، بر می‌گردد.

همانطور که کائوتری هم بیان می‌کند «اگر قرار باشد مشارکت عملی شود، نه تنها باید اراده‌ی سیاسی دولت، اسناد قانونی و نهادهای اجتماعی متناسب وجود داشته باشد، بلکه برخی

1- agency

شرایط مربوط به خود شرکت کنندگان نیز باید تأمین شود. علل مشارکت نکردن به اندازه‌ی کافی شناخته شده است: بی سوادى و نبود اطلاعات، موانع زبانی و فرهنگی، کمبود وقت، عادت امتناع از رأی دادن، بدبینی فرد درباره‌ی کارایی و تأثیر چیزی که از او خواسته می‌شود در آن شرکت کند، و مانند آنها» (۱۳۷۹، ص ۲۵). در واقع کثورتی علاوه بر شرایط ساختاری که ایجاد کننده و تسهیل کننده‌ی فرایند مشارکت است، به نقش عاملیتی و فردی که مربوط به خود کنشگران است، هم تأکید می‌کند.

فرضیه‌ها

- به نظر می‌رسد میان مشارکت اجتماعی و احساس بی‌قدرتی رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد میان مشارکت اجتماعی و نرخ تنزیل رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد میان میانگین مشارکت اجتماعی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی تفاوت معنی‌دار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد میان میانگین مشارکت اجتماعی و الگوی حل مشکل کشاورزی تفاوت معنی‌دار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد میان میانگین مشارکت اجتماعی و الگوی تصمیم‌گیری در میزان مصرف آب تفاوت معنی‌دار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد میان میانگین مشارکت اجتماعی و آگاهی به عاملیت در پایداری تفاوت معنی‌دار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد میان میانگین مشارکت اجتماعی و خیر محدود تفاوت معنی‌دار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد میان دختران و پسران در زمینه‌ی میانگین مشارکت اجتماعی تفاوت معنی‌دار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد میان افراد دارای تحصیلات گوناگون در زمینه‌ی میانگین مشارکت اجتماعی تفاوت معنی‌دار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد میان میانگین مشارکت اجتماعی و تأهل رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد میان مشارکت اجتماعی و سن رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

- نوع روش: این تحقیق به الگوهای رفتاری افراد در مقیاس فردی اشاره دارد و نوع سنجش تأکید بر نگاه و رویکرد عاملیتی کنشگران دارد و برای سنجش افکار و نگرش آنها و با توجه به دلایل موجود در جدول زیر از روش پیمایش استفاده شد.

جدول شماره‌ی ۱: بررسی تطبیقی دلایل، در روش استفاده شده تحقیق مورد نظر با تیپ ایده‌آل روش‌های مورد استفاده

تحقیق مورد نظر			ویژگی‌های روش پیمایش				
واحد تجزیه و تحلیل	زمان مطالعه	پرسش مورد نظر	نوع روش	واحد تجزیه و تحلیل	زمان مطالعه	پرسش مورد نظر	نوع روش
افراد	حال	سطح سرمایه اجتماعی آنها چه میزان است؟ سطح نگرش عاملیتی آنها چه میزان است؟ میزان عوامل فردی که با مشارکت در ارتباط هستند، چه مقدار است؟	پیمایش	افراد	حال	چه کسی، کی، کجا، چه چیز، چه تعداد، چه میزان، چه مقدار؟	پیمایش

- ابزار سنجش: ابزار سنجش مورد استفاده در این پژوهش پرسش‌نامه بوده که توسط پژوهشگر ساخته شده است و البته سعی نموده تا حد امکان از گویه‌های معیار و آزمون شده در سطح پژوهش‌های ملی استفاده نماید.

- جامعه‌ی آماری: جامعه‌ی آماری این پژوهش را کلیه‌ی مالکین و اجاره‌کنندگان چاه‌های آب و استفاده‌کنندگان از قنات در شهرستان بردسیر تشکیل می‌دهند. لازم به ذکر است که به علت نبودن آمار، پژوهشگر نتوانست برآوردی از تعداد مالکین و اجاره‌داران چاه‌های آب و قنات در منطقه‌ی مورد نظر به‌دست بیاورد.

- **حجم نمونه و روش نمونه‌گیری:** در این پژوهش به علت نبود چارچوب نمونه‌گیری و به عبارتی تعداد نفر جامعه‌ی آماری، در روش نمونه‌گیری به گونه زیر عمل شد^۱؛ در مرحله‌ی اول با همکاری کارشناس آب منطقه‌ای واحدهای زراعی بر مبنای سفره‌ی آب زیرزمینی دشت بردسیر از هم تفکیک شدند و از میان آنها سه حوزه که به‌طور اتفاقی و تا حدودی با تقسیم‌بندی جغرافیایی-سیاسی منطبق هستند، انتخاب شدند. سپس، در مرحله‌ی دوم سعی شد در هر حوزه به‌صورت تصادفی تعدادی چاه آب انتخاب شود و از آنجایی که تعداد مالکین هر چاه آب متفاوت بودند، برای نمونه، در یک چاه بیش از ۵۰ نفر سهم داشتند و در جای دیگر یک نفر مالک تمامی دو چاه آب بود و حتی یک نفر ممکن بود در چند چاه آب مالکیت داشته باشد و نیز آنکه پژوهش در صدد بود که تنوع گروه‌های مختلف^۲ که اسامی آنها در زیر آمده است، رعایت گردد و مورد نمونه قرار گیرند، لذا در مرحله‌ی سوم و در انتخاب نمونه سعی شد به کمک دستیاران محلی و همچنین با یاری جستن از تکنیک نمونه‌گیری گلوله برفی^۳ نمونه‌های مورد نظر از چاه‌های انتخاب شده انتخاب شوند که تعداد آنها ۹۱ نفر بود. لازم به ذکر است که به‌علت آنکه عمده‌ی مالکین - به‌طور بالقوه- می‌توانند نقش بالایی در ایجاد فعالیت‌های گروهی مرتبط با آب داشته باشند (چه به‌لحاظ میزان استفاده از آب‌های زیرزمینی و چه به‌لحاظ قدرت و نفوذ اجتماعی)، به‌همین منظور سعی شد تا آنجایی که ممکن است تمامی آنها به‌عنوان نمونه انتخاب شوند که تا حد زیادی این امر محقق شد.

- **اعتبار^۴ و پایایی^۵:** در این پژوهش از دو اعتبار استفاده شده است که یکی اعتبار صوری است یا استفاده از نظر متخصصان که برای متغیرهای اسمی استفاده شده است و دیگری اعتبار سازه برای متغیرهای ترتیبی. در واقع اعتبار سازه یک ابزار اندازه‌گیری «نمایانگر آن است که ابزار اندازه‌گیری تا چه اندازه یک سازه یا خصیصه‌ای را که مبنای نظری دارد، می‌سنجد» (سرمد

۱- لازم به ذکر است که این شیوه نمونه‌گیری که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت، در تحقیقات ملی و نیز نمونه‌گیری سازمان‌های معتبر همچون دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران مورد استفاده قرار می‌گیرد و به این صورت عمل می‌شود که به جای تعداد افراد موجود در جامعه آماری، از تعداد کل بلوک‌های موجود در جامعه آماری استفاده می‌شود که بر حسب تصادف و به‌وسیله فرمول کوکران تعدادی بلوک انتخاب می‌شود و آنگاه بر حسب درصد ثابت، تعداد نفراتی که باید مورد نمونه قرار گیرند از آن بلوک‌ها به‌صورت تصادفی انتخاب می‌شود. در این تحقیق به جای بلوک از چاه آب استفاده شد.

۱- این گروه‌ها اعم بودند از: ۱. عمده مالک، خرده مالک و اجاره کار. ۲. کشاورز نمونه و کشاورز عادی. ۳. کشاورز، دامدار. ۴. مرد، زن

2- snowball sampling

3- Validity

4- Reliability

و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۱۷۲-۱۷۰). این اعتبار «سلسله فعالیت‌هایی را که به‌طور همزمان از سوی پژوهشگر برای تعریف یک سازه و توسعه وسیله برای اندازه‌گیری آن صورت می‌گیرد، را شامل می‌شود» (یزدان‌پناه، ۱۳۸۶، ص ۱۱۴). از مهم‌ترین روش‌های بررسی اعتبار سازه می‌توان به روش تحلیل عاملی اشاره نمود که در این تحقیق مقدار KMO این آزمون همگی بالاتر از ۰/۶ می‌باشد که بیانگر این است که گویه‌هایی که برای تشکیل عامل‌های فوق تشکیل شدند، توان تشکیل عامل‌های فوق را دارا می‌باشند، البته گویه‌هایی که به لحاظ آماری تناسب مناسبی با گویه‌های دیگر نداشتند، حذف گردیدند.

قابلیت اعتماد یا پایایی «به آن معنی است که آیا روش انتخاب شده، موضوع مورد نظر را به‌طور دقیق می‌سنجد یا نه؟» (رفیع پور، ۱۳۸۲، ص ۱۴۲) که در این پژوهش همه‌ی ابعادی که قابلیت گرفتن آزمون کرنباخ را داشتند، بعد از حذف گویه‌های ناسازگار چه در پیش آزمون پرسش‌نامه و چه در مرحله‌ی نهایی کار، دارای آلفای بالاتر از ۰/۷ بودند که نشانگر پایایی یا قابلیت اعتماد لازم هستند و گویه‌ها از همسانی درونی بالایی برخوردار هستند.

- تعریف متغیرها:

الگوی حل مشکل کشاورزی: به میزان نزدیکی نگرش کشاورزان در هنگام بروز مشکلات و مسایل عمومی کشاورزی، و نوع رویکرد آنها که در واقع نشان‌دهنده‌ی ذهنیت آنها است به الگوهای مؤثر و کارآمد مطرح در نظریات نوین توسعه که مبتنی بر مشارکت اجتماعی است، گفته می‌شود.

آگاهی به عاملیت در پایداری: به میزان وقوف کنشگران به نقش و عاملیت خود در بروز مشکل اصلی خود یعنی کم آبی، گفته می‌شود.

الگوی تصمیم‌گیری در میزان مصرف آب: اینکه کشاورزان در مواجهه با مهم‌ترین دغدغه خود یعنی کم آبی، معتقد به چه نهادی برای تعیین میزان مصرف آب هستند که در واقع نشان‌دهنده نوع اعتقاد نهفته در پس زمینه ذهنی کنشگر به الگوهای موجود یعنی مشارکتی، دولتی، سنتی و فردی می‌باشد.

خیر محدود: دلالت بر ارجحیت آنی سود شخصی بر منافع دیگران در منابع عمومی و طبیعی دارد؛ در فضای رقابتی که در نهایت به کاهش منابع و ضرر منافع عمومی در آینده - که البته منافع خود فرد را هم در بر می‌گیرد- تمام می‌شود. در واقع، افراد برای منافع عمومی و هزینه‌های آتی نسبت به منافع و هزینه‌های فعلی ارزش کمتری قایل هستند.

ارجحیت زمانی: در این پژوهش بر ترجیح زمان فعلی بر آینده دلالت دارد که طی آن نوع عملکرد متناسب با زمان و منافع حال تنظیم می‌شود و نه منافع دراز مدت و پایدار .
پایگاه اقتصادی- اجتماعی: بیانگر قشربندی اجتماعی افراد است که منزلت، وجهه و توانایی اقتصادی افراد را مشخص می‌سازد.

احساس بی‌قدرتی: احساس بی‌قدرتی نوعی بیگانگی است که طی آن فرد احساس می‌کند در وضعیت‌های اجتماعی و کنش متقابل خود تأثیرگذار نیست. به عبارت دیگر، احساس بی‌قدرتی عبارت از این تصور است که فرد احتمال می‌دهد که عمل او بی‌تأثیر باشد و نتایج مورد انتظار او را برآورده نسازد.

- **شیوهی تجزیه و تحلیل داده‌ها:** برای تحلیل داده‌ها، با توجه به نرمال بودن توزیع، از آزمون‌های مقایسه‌ی میانگین‌ها، تی مستقل، تحلیل واریانس یک‌طرفه و پس‌آزمون مقایسه‌ی LSD، تحلیل واریانس عاملی و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و همچنین در آمار توصیفی از میانگین، انحراف معیار، میانه، نما و جدول‌های دو بعدی استفاده شده است.

یافته‌ها

جدول شماره ۲: خلاصه یافته‌های متغیرهای ترتیبی و فاصله‌ای

نام متغیر مستقل	سطح مقیاس متغیر مستقل	نوع آزمون	سطح معنی داری	نتیجه‌ی آزمون	شدت همبستگی	جهت رابطه	سطح معنی داری	نتیجه‌ی آزمون	شدت همبستگی	جهت رابطه	تفسیر رابطه
تحصیلات	ترتیبی	پیرسون	۰/۸۳	رد فرضیه	---	---	---	رد فرضیه	---	---	---
ارجحیت زمانی	ترتیبی	پیرسون	۰/۰۴	تأیید فرضیه	۰/۲۶	مکوس	۰/۰۴	تأیید فرضیه	۰/۲۶	مکوس	نسبتاً ضعیف
احساس بی‌قدرتی	ترتیبی	پیرسون	۰/۰۱۷	تأیید فرضیه	۰/۳۵	مکوس	۰/۰۱۷	تأیید فرضیه	۰/۳۵	مکوس	نسبتاً ضعیف
سن	فاصله‌ای	پیرسون	۰/۳۴	رد فرضیه	---	---	۰/۳۴	رد فرضیه	---	---	---
پایگاه اقتصادی- اجتماعی	ترتیبی	پیرسون	۰/۰۰۲	تأیید فرضیه	۰/۴۶	مستقیم	۰/۰۰۲	تأیید فرضیه	۰/۴۶	مستقیم	تقریباً متوسط

همان‌گونه که از جدول شماره ۲ برمی‌آید، رابطه‌ی معنی‌دار در زمینه‌ی متغیرهای ارجحیت زمانی، احساس بی‌قدرتی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی دیده شده است، که دو متغیر ارجحیت زمانی و احساس بی‌قدرتی تقریباً دارای شدت همبستگی برابر بوده و مطابق انتظار نظری دارای رابطه‌ی منفی با مشارکت اجتماعی می‌باشند، به این معنی که با افزایش احساس بی‌قدرتی و ارجحیت زمانی در افراد، مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد، البته مقدار این شدت پایین است و بنابراین به لحاظ اهمیت نمی‌توانند چندان تأثیرگذار باشند. متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی دارای رابطه‌ی مثبت با اثرگذاری تقریباً متوسط است.

جدول شماره ۳: خلاصه یافته‌های متغیرهای اسمی

نام متغیر مستقل	نام متغیر وابسته	نوع آزمون ^۱	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون	سطح مقیاس متغیر مستقل
جنسیت	مشارکت اجتماعی	آزمون t	۰/۷۵۴	رد فرضیه	اسمی
تأهل	مشارکت اجتماعی	آزمون t	۰/۲۸۵	رد فرضیه	اسمی
نوع کنش در حل مشکل	مشارکت اجتماعی	آزمون F	۰/۰۶	رد فرضیه	اسمی
الگوی تصمیم‌گیری	مشارکت اجتماعی	آزمون F	۰/۳۱۹	تأیید فرضیه	اسمی
آگاهی به عاملیت در پایداری	مشارکت اجتماعی	آزمون F	۰/۳۱۹	رد فرضیه	اسمی
خیر محدود	مشارکت اجتماعی	آزمون t	۰/۰۰	تأیید فرضیه	اسمی

همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، میان میانگین متغیرهای زمینه‌ای "جنسیت"، "تأهل" و متغیرهای عاملیتی "نوع کنش در حل مشکل" و "آگاهی به عاملیت در پایداری" با مشارکت اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، اما در میان متغیرهای نوع کنش در حل مشکل کشاورزی و خیر محدود با مشارکت اجتماعی تفاوت معنی‌دار در میانگین دیده شده است که در زیر سعی می‌شود در مورد این تفاوت‌های میانگین بیشتر توضیح داده شود.

۱- چون توزیع متغیرهای فوق تقریباً نرمال بوده از آزمون‌های t و F استفاده شده است.

جدول شماره ۴: خلاصه‌ی نتایج آزمون LSD میان مشارکت اجتماعی و ابعاد الگوی تصمیم‌گیری در

میزان استفاده از آب

الگوی تصمیم‌گیری استفاده از آب	اختلاف میانگین	خطای استاندارد	سطح معناداری
سنتی	۱/۰۸	۰/۹۲۵	۰/۲۴۶
دولتی	۰/۱۱	۰/۳۳۴	۰/۷۴۲
همکاری	* ۱/۲۰	۰/۳۴۳	۰/۰۰۱
فردی	-۱/۰۸	۰/۹۲۵	۰/۲۴۶
دولتی	-۰/۹۷	۰/۹۱۶	۰/۲۹۳
همکاری	* ۲/۲۸	۰/۹۲۰	۰/۰۱۵
فردی	-۰/۱۱	۰/۳۳۴	۰/۷۴۲
سنتی	۰/۹۷	۰/۹۱۶	۰/۲۹۳
همکاری	* ۱/۳۱	۰/۳۲۰	۰/۰۰۰
فردی	۱/۲۰	۰/۳۴۳	۰/۰۰۱
سنتی	* ۲/۲۸	۰/۹۲۰	۰/۰۱۵
دولتی	* ۱/۳۱	۰/۳۲۰	۰/۰۰۰

* معنی‌دار در سطح ۰/۰۵

پس‌آزمون^۱ جهت بررسی محل تفاوت معنادار میان متغیر مشارکت اجتماعی با ابعاد متغیر "الگوی تصمیم‌گیری در میزان استفاده از آب" است که نشان می‌دهد محل این تفاوت تنها میان ابعاد الگوی همکاری با دیگر الگوها است و الگوهای دیگر با یکدیگر تفاوتی معنی‌داری در میانگین ندارند که برای روشن‌تر شدن معنای این تفاوت جدول دو بعدی آن آورده می‌شود:

جدول شماره ۵: جدول دو بعدی میان الگوی تصمیم‌گیری در میزان استفاده از آب و مشارکت

اجتماعی

شدت متغیر مشارکت اجتماعی	الگوی تصمیم‌گیری در میزان استفاده از آب			
	فردی	سنتی	دولتی	همکاری
خیلی کم	۱۳ (۴۱/۹)	۲ (۶/۵)	۱۲ (۳۸/۷)	۴ (۱۲/۹)
کم	۵ (۲۰/۸)	۰ (۰)	۱۲ (۵۰/۰)	۷ (۲۹/۲)
متوسط	۱ (۹/۱)	۰ (۰)	۷ (۶۳/۶)	۳ (۲۷/۳)
زیاد	۴ (۳۰/۸)	۰ (۰)	۲ (۱۵/۴)	۷ (۵۳/۸)
خیلی زیاد	۲ (۲۰/۰)	۰ (۰)	۰ (۰)	۸ (۸۰/۰)
جمع	۲۵ (۲۸/۱)	۲ (۲/۲)	۳۳ (۳۷/۱)	۲۹ (۳۲/۶)

1- Post Hoc Test

از آنجایی که اختلاف معنی‌دار تنها میان بعد همکاری با دیگر ابعاد دیده شد، لذا در اینجا تنها این بعد با دیگر ابعاد به لحاظ مشارکت اجتماعی مقایسه می‌شود و به همین منظور نیز درصد جدول دو بعدی به صورت سطری در نظر گرفته شده است. در این جدول، با افزوده شدن شدت مشارکت، درصد الگوی همکاری به طور ملموسی نسبت به درصد الگوهای دیگر یعنی سنتی، دولتی و فردی افزوده می‌شود و بر عکس، شدت آن الگوها کاهش می‌یابند. به عبارتی با کاهش شدت مشارکت اجتماعی، درصد الگوی همکاری نسبت به ابعاد دیگر که درصد آنها افزوده می‌شود، کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۶: جدول دو بعدی میان متغیرهای مشارکت اجتماعی و خیر محدود

جمع	خیر محدود		شدت مشارکت اجتماعی
	ندارد	دارد	
۳۰ (۳۳/۷)	۱۸ (۳۷/۵)	۱۲ (۲۹/۳)	خیلی کم
۲۴ (۲۷)	۱۹ (۳۹/۶)	۵ (۱۲/۲)	کم
۱۱ (۱۲/۴)	۵ (۱۰/۴)	۶ (۱۴/۶)	متوسط
۱۳ (۱۴/۶)	۵ (۱۰/۴)	۸ (۱۹/۵)	زیاد
۱۱ (۱۲/۴)	۱ (۲/۱)	۱۰ (۲۴/۴)	خیلی زیاد
۸۹ (۱۰۰)	۴۸ (۱۰۰)	۴۱ (۱۰۰)	جمع

درصد جدول دو بعدی فوق به صورت ستونی گرفته شده است. در جدول، افرادی که دارای خیر محدود هستند، مشارکت پایین‌تری دارند و افرادی که خیر محدود ندارند از مشارکت بیشتری برخوردار می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

در جامعه‌شناسی، راهنمای الگوی کنش و رفتار از دو رویکرد اصلی ناشی می‌شود که یکی از آنها ساختارها هستند و دیگری عاملیت کنشگران. این مقاله با نگاه و رویکرد عاملیتی در پی

یافتن موانع کنش اجتماعی و جمعی افراد در قالب مشارکت سازمان یافته بوده و تأکید دارد که عاملیت افراد، نقش اساسی و مهمی را در ورود افراد به عرصه فعالیت گروهی بازی می‌کند؛ در واقع، عاملیت اشاره دارد به توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و نگرش کنشگران که به واسطه‌ی آن، کنشگر رفتار خود را تنظیم می‌کند و عمل می‌نماید. حال، اگر مولفه‌های عاملیت که سبب مشارکت اجتماعی سازمان یافته می‌شوند، از سطح پایینی برخوردار باشند، موجب می‌گردند که نتوانیم به مشارکت اجتماعی سازمان یافته‌ای دست یابیم که در این پژوهش و در جامعه‌ی مورد مطالعه نشان داده شد که متغیرهای الگوی تصمیم‌گیری کنشگران، خیر محدود، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، احساس بی‌قدرتی و ارجحیت می‌توانند در ایجاد و یا شدت بخشیدن به مشارکت سازمان یافته تأثیر داشته باشند، هر چند که در این میان احساس بی‌قدرتی و ارجحیت زمانی تأثیر بالایی نداشتند. اما، بالا رفتن پایگاه اقتصادی و اجتماعی نقش به‌سزایی در بالا بردن مشارکت اجتماعی دارد. در عین حال، کنشگرانی که دارای ذهنیت خیر محدود بودند، مشارکت اجتماعی کمتری نیز داشتند و نوع الگوی کنش آنها در زمینه‌ی مهم‌ترین دغدغه‌ی فعلی زندگی افراد در جامعه نشان داد که افرادی که اعتقاد به الگوی همکاری و نوین در تصمیم‌گیری در میزان استفاده از آب کشاورزی دارند از تمایل و ذهنیت بیشتری برای کنش گروهی سازمان یافته برخوردار هستند.

لازم به ذکر است که برخلاف دیگر پژوهش‌های تجربی انجام شده، در این پژوهش هیچ رابطه و یا تفاوت معنی‌داری میان مشارکت اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای دیده نشد.

منابع فارسی

- ازکیا، م؛ غفاری، غ. ر. (۱۳۸۴). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران. تهران: نشر نی.
- امینی، ا. م؛ خیاطی، م. (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر عدم موفقیت طرح تشکیل تعاونی‌های آب‌بران. فصلنامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال چهارم، شماره‌ی ۵۳.
- اوکلی، پ؛ مارسول، پ. (۱۳۷۰). رهیافت مشارکت در توسعه روستایی. ترجمه‌ی: منصور محمودزاده. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
- اینگلهارت، ر. (۱۳۷۴). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه‌ی: مریم وتر. تهران: نشر کویر.

- بیگی، ج. ع. (۱۳۸۶). بررسی نقش مشارکت مردمی در پیشبرد توسعه‌ی روستایی. (رساله‌ی دوره کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران).
- پناهی، م. ح؛ یزدان پناه، ل. (۱۳۸۳). اثر ویژگی‌های فردی بر مشارکت اجتماعی. فصلنامه‌ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲۶، ص: ۱۰۸-۶۹.
- پوتنام، ر. (۱۳۸۴). جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی. مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی. تهران: نشر شیرازه.
- پورزند، ا. (۱۳۷۸). پیشینه و وضع موجود تشکل‌های مصرف‌کنندگان آب و تجربه عمل ایجاد تشکل‌های قانونی در شبکه آبیاری قزوین. اولین کارگاه فنی مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی، کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران.
- جلایی پور، ح. ر. (۱۳۸۵). زنان به مثابه جنبش اجتماعی. روزنامه اعتماد، ۱۳۸۵/۱۱/۱۹.
- چمبرز، ر. (۱۳۷۸). جابه‌جایی الگوها و شیوه کار پژوهش و توسعه مشارکتی. ترجمه‌ی عبدالرسول مرتضوی. فصلنامه‌ی روستا و توسعه، شماره ۳ و ۴.
- خسروی جعفری، م؛ پوررضا، ا. (۱۳۸۴). افزایش مشارکت شهروندان در راستای توسعه محله با استفاده از دیدگاه سیستمیک. دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران: نمایه مجموعه مقالات.
- خورشیدی، ج. (۱۳۸۴). تشکل‌های آب بران گذشته، حال، آینده. تهران: کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران.
- دقیقی، م. (۱۳۸۶). تبیین رابطه‌ی دولت‌گرایی روستاییان و مشارکت آنها در طرح‌های عمرانی. (رساله‌ی دوره کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران).
- دهقان، ع. ر؛ غفاری، غ. ر. (۱۳۸۴). تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران. مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی ششم، شماره ۱.
- رضایی، ع. (۱۳۷۵). مشارکت اجتماعی وسیله یا هدف توسعه. اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۱۱۰-۱۰۹.

- رضوی، م. ک. (۱۳۸۴). مفهوم و رهیافت مشارکت و زمینه‌ها و ملاحظات تحقیق توسعه مشارکت مدارانه. چهارمین کارگاه فنی مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی، کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. نشر کمیته ملی آبیاری و زهکشی.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۸۶). تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: ناشر شرکت سهامی انتشار.
- زارعی دستگردی، ز. (۱۳۸۵). تحلیل عوامل تأثیرگذار بر مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌ی آبرسانی. (رساله‌ی دوره کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران).
- زند رضوی، س. (۱۳۸۲). موانع مؤثر بر مشارکت مردم در حفظ منابع طبیعی تجدید شونده در ایران. (رساله‌ی دوره دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران).
- سن، آ. (۱۳۸۵). توسعه یعنی آزادی. ترجمه‌ی: محمدسعید نوری نایینی. تهران: نشر نی
- شادی‌طلب، ژ. (۱۳۸۳). مشارکت اجتماعی زنان. فصلنامه‌ی پژوهش زنان، دوره ۱، شماره‌ی ۷، ص: ۱۷۶-۱۴۲
- شریفی، ا. (۱۳۸۳). تحلیل زمینه‌ها و عوامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت روستاییان در روند بازسازی روستاهای زلزله زده. (رساله‌ی دوره کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران).
- شهیدی، م. (۱۳۷۷). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت در پروژه‌های آبیاری تحت فشار از نظر کشاورزان. (رساله‌ی دوره کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران).
- صفی نژاد، ج. (۱۳۸۰). نظام‌های آبیاری سنتی در ایران. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- علوی تبار، ع. ر. (۱۳۷۹). بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارت جهانی و ایران). جلد اول، تهران: نشر سازمان شهرداری‌های کشور.
- غفاری، غ. ر؛ نیازی، م. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مشارکت. تهران: نشر نی.

فداکار داورانی، م. م؛ زند رضوی، س. (۱۳۸۳). کاربرد یک الگوی نظری برای تبیین دلایل پایداری. مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی پنجم، شماره ۴، زمستان، ص: ۹۵-۱۱۰.

فرهادی، م. (۱۳۸۱). فضای مفهومی مشارکت (هم معنایی و ناهم معنایی یاریگری (یاوری، تعاون) با مشارکت (انبازی) و همکاری. فصلنامه‌ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱۹، ص: ۳۵-۷.

فهام، ا. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان در جنگلداری روستایی. (رساله‌ی دوره کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران).

قاسمی، م. ع. (۱۳۸۰). بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر میزان مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی: مطالعه‌ی موردی بخش مرکزی شهرستان کاشان. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران).
کائوتری، ه. (۱۳۷۹). مقدمه. مجموعه مقاله مشارکت در توسعه. ترجمه‌ی: هادی غبرایی و داود طبایی. تهران: نشر سروش.

کائوتری، ه. (ب) (۱۳۷۹). مشارکت مردم در توسعه: مسایل، شرایط اجرا و صلاحیت یونسکو. مجموعه مقاله مشارکت در توسعه. ترجمه‌ی: هادی غبرایی و داود طبایی. تهران: نشر سروش.

کولن، ر. (۱۳۷۹). نهادی کردن مشارکت مردم در توسعه. مجموعه مقاله مشارکت در توسعه. ترجمه‌ی هادی غبرایی و داود طبایی. تهران: نشر سروش.

کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. (۱۳۷۷). تجارت جهانی مشارکت کشاورزان در مدیریت آبیاری. تهران: انتشارات کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران.

موشی، اس. اس. (۱۳۷۹). نهادی کردن مشارکت مردم در توسعه، تجربه تانزانیا. مجموعه مقاله مشارکت در توسعه. ترجمه‌ی: هادی غبرایی و داود طبایی. تهران: نشر سروش.

نجفی، ب. ا؛ شیروانیان، ع. (۱۳۸۶). بررسی موانع مشارکت آببران در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی. فصلنامه‌ی توسعه و روستا، شماره؟

هارت، ر. (۱۳۸۰). مشارکت کودکان و نوجوانان، از پذیرش صوری تا شهروند واقعی. ترجمه‌ی: فریده طاهری. تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- یزدان پناه، ل. (۱۳۸۶). موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی. فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، شماره‌ی ۲۶، سال هفتم، پاییز، ص: ۱۳۰-۱۰۵.
- یزدان پناه، ل. (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان ۱۸ سال به بالای مناطق ۲۲ گانه شهر تهران. (پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی دانشکده علوم اجتماعی).

منابع انگلیسی

- Arnstein, S. R. (1969). **A Ladder of Citizen Participation**. AIP Journal, July, 216-224.
- Cao Tri, H. (1982). **Participate in Development**. paris: UNESCO.
- Goulet, D. (1989). **Participation in Development New Avenues**. Word Development, vol. no. 20 .p:165-175.
- Hale, J. L; Householder, B. J. & Greene, K. L. (2003). **The theory of reasoned action**. In J.P. Dillard & M. Pfau (Eds.), The persuasion handbook: Developments in theory and practice, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Morrissey, J. (2000). **Indicators of citizen participation: lessons from learning teams in rural EZ/EC communities**. OXFORD UNIVERSITY PRESS AND COMMUNITY DEVELOPMENT JOURNAL, VOL. 35 NO. 1 January 2000 pp. 59-74.
- Salman, M. A. (1997). **The legal framework for water users association** – washington DC – worldbank – Technical paper No.360.
- Winter, I. (Ed), (2000). **social capital public policy Australia**. Melbourne: Australian of family studies.